

در آراء فلسفی و عرفانی

عقده تجارب

www.ketab.ir

سید محمود هاشمی نسب

تعارض و نقد در آراء فلسفی و عرفانی

سید محمود هاشمی نسب

انتشارات دلیل ما

چاپ اول: تابستان ۱۴۰۰

تیراز: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ: نگارش

شابک: ۷-۲۴۳-۴۴۲-۶۰۰-۹۷۸

تلفن و نمابر: ۳۷۷۴۴۹۸۸ - ۳۷۷۳۳۴۱۳ (تلفن: ۹۸۲۵+)

دفتر مرکزی: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه ششم، واحد ۶۱۲ و ۶۱۳

(ارتباط با ما) www.dalilema.ir | dalilema@yahoo.com (خرید آنلاین)

۵۶۳

مراکز پخش

قم. خیابان معلم. مجتمع ناشران. طبقه ۵. تلفن: ۳۷۷۴۴۹۸۸ و ۳۷۷۳۳۴۱۳
قم. خیابان صفائیه. رویروی کوچه ۳۸. پلاک ۷۵۵. تلفن: ۳۷۷۳۷۰۰۱ و ۳۷۷۳۷۰۰۱
تهران. خیابان انقلاب. خیابان فخررازی. نبش بن بست ری. پلاک ۶۱. تلفن: ۶۶۴۶۴۱۴۱
مشهد. چهارراه شهداء. ضلع شمالی باغ نادری. کوچه شهید خوراکیان. مجتمع گنجینه کتاب. طبقه اول | تلفن: ۵-۳۲۲۳۷۱۱۳



انتشارات دلیل ما
www.dalilema.ir

مرکز نشر و پخش کتب معارف اهل بیت
۹ سال ناشر نمونه و برگزیده کشوری
با تولید بیش از ۱۰۰۰ عنوان کتاب

برخاسته	هاشمی نسب، سید محمود، ۱۳۵۲.
خوان و نام پندآور	تعارف و نقد در آراء فلسفی و عرفانی / سید محمود هاشمی نسب.
مشخصات نشر	تهران: تابستان ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری	۳۳۴ ص: ۵/۲۱×۹/۱۴ م: ۶۰۰۰۰۰
شابک	978-600-442-243-7
وضعیت فهرست نویسی	فهرست
یادداشت	کتابخانه: ص: ۳۲۹ - ۱، ۳۳۴. صفحات به صورت زیر نویس.
موضوع	مولوی، جلال‌الدین محمد بن محمد، ۶۰۳ - ۶۷۲ ق. -- دیدگاه درباره فلسفه اسلامی
موضوع	Mowlavi, Jalaluddin Muhammad ibn-e Muhammad, 1207 - 1273 -- Views on Islamic philosophy
موضوع	مولوی، جلال‌الدین محمد بن محمد، ۶۰۳ - ۶۷۲ ق. -- فلسفه اسلامی
موضوع	Mowlavi, Jalaluddin Muhammad ibn Muhammad, 1207 - 1273. Ma'navi -- Islamic philosophy
موضوع	مولوی، جلال‌الدین محمد بن محمد، ۶۰۳ - ۶۷۲ ق. -- نقد و تفسیر
موضوع	Mowlavi, Jalaluddin Muhammad ibn Muhammad, 1207-1273. Ma'navi-- Criticism and interpretation
موضوع	فلسفه
موضوع	Philosophy
موضوع	عرفان
موضوع	Mysticism
موضوع	فلسفه اسلامی
موضوع	Islamic philosophy
موضوع	فلسفه -- نقد و تفسیر
موضوع	Philosophy -- Criticism, interpretation, etc
موضوع	فیلسوفان قدیم -- دیدگاه درباره فلسفه
موضوع	Philosophers, Ancient -- Views on philosophy
موضوع	B۱۹
رده بندی کنگره	۱۰۰
رده بندی ادوینی	۷۵۱۷۱۴
شماره کتابشناسی ملی	۷۵۱۷۱۴
وضعیت راکورد	فهرست

فهرست مطالب

آغاز سخن

۱۳

بخش اول: تعارض فلسفه و عرفان در مبانی و نتایج

۲۱

مقدمات بحث: تعریف فلسفه و پیدایش آن

۲۲

علت ورود فلسفه به جامعه اسلامی

۲۵

گفتار متعارض در باره فلاسفه یونان

۲۸

گفتار متعارض در باره نبوت فلاسفه یونان

۳۰

تعریف عرفان اصطلاحی

۳۲

وجه تسمیه تصوف

۳۲

ترادف عرفان و تصوف

۳۲

نخستین صوفی در اسلام

۳۴

احادیث مذمت صوفیه

۴۰

علل تاریخی ترویج تصوف

۴۳

ورود تصوف در تشیع

۴۵

تلاش استعمار در ترویج صوفی گری

۴۶

عدم تشیع مشایخ صوفیه

۴۸

آراء متعارض در باره ابن عربی

- ۵۴ اشتباه اتباع ابن عربی
- ۵۵ تعارض در مبانی: نزاع عرفا و فلاسفه
- ۵۷ تحقیر عقل در مکتب عرفا
- ۶۱ گفتار متعارض در میزان بودن عقل
- ۶۳ اصالت کشف و شهود در عرفان
- ۶۴ عدم حجیت کشف و شهود
- ۶۷ تناقض یافته‌های اهل عرفان
- ۶۹ تعارض دو کشف
- ۷۱ تعارض کشف با عقل و نقل
- ۷۵ مکاشفات فوق براهین عقلیه
- ۷۸ تعارض فلسفه مشاء و صدرا و عرفان
- ۸۱ نظر عرفا در باره تشکیک در وجود
- ۸۲ نظر فلاسفه در باره وحدت شخصی وجود
- ۸۶ نظر عرفا در باره فلاسفه
- ۹۰ نظر فلاسفه در باره عرفا
- ۹۱ نظر ملا صدرا در باره فلاسفه مشاء و اشراق
- ۹۴ تعارض در نتایج فلسفی و عرفانی
- ۹۴ ۱- تعارض در معنای توحید ذاتی
- ۹۴ ۱-۱- حکم به شرک همه مسلمین
- ۹۶ ۲-۱- گفتار متعارض در عبادت
- ۹۹ ۲- تعارض در معنای توحید صفاتی

- ۹۹ ۳- تعارض در معنای توحید افعالی
- ۱۰۱ ۴- قرآن و تفاسیر متضاد
- ۱۰۴ ۴-۱- توصیف تفاسیر ملاصدرا و ابن عربی
- ۱۰۵ ۴-۲- تعارض بناء با مبنای ملاصدرا
- ۱۱۰ ۵- انکار بداهت عقلی در عرفان
- ۱۱۳ ۵-۱- عدمی بودن ماهیات در نزد عرفا
- ۱۱۴ ۵-۲- بحث از امکان برای سرگرمی
- ۱۱۵ ۵-۳- نقد توجیه ملاصدرا
- ۱۲۰ ۶- تعارض در مبنای علیّت و عینیت
- ۱۲۲ ۶-۱- گفتار متعارض در اطلاق علت بر حقّ تعالی
- ۱۲۲ ۶-۲- گفتار متعارض در منجّحت میان خالق و مخلوق
- ۱۲۵ ۷- تعارض در توصیف علوم انبیاء
- ۱۲۸ ۸- تعارض در معنای جبر و اختیار
- ۱۲۹ ۸-۱- گفتار متعارض در جبر و اختیار
- ۱۳۰ ۸-۲- گفتار متعارض در تعریف اختیار
- ۱۳۱ ۹- تعارض در معنای فاعلیت خداوند
- ۱۳۲ ۱۰- تعارض در معنای معاد

بخش دوم: تعارض فلسفه و عرفان با نصوص و ظواهر شرعی

- ۱۳۷ اعتراف به تعارض با ظواهر شرع
- ۱۳۹ ۱- تعارض توحید عرفا با توحید قرآن و سنت
- ۱۴۱ ۲- تعارض خدای فلاسفه با خدای قرآن

- ۱۴۶ ۳- گفتار متعارض در تشبیه خالق تعالی به مخلوقات
- ۱۵۴ ۴- تعارض در انقطاع نبوت
- ۱۵۸ ۵- مقام ولایت در عرفان
- ۱۶۰ ۶- گفتار متعارض در باب امامت
- ۱۶۴ ۷- ادّعای عصمت عرفا و فلاسفه !
- ۱۶۹ ۸- انقطاع عقاب
- ۱۷۴ ۹- مظهریت شیطان
- ۱۷۷ ۱۰- مسأله جبر و اختیار
- ۱۸۱ ۱۱- حدوث عالم
- ۱۸۶ ۱۲- عشق مجازی
- ۱۹۴ ۱۳- تقابل تصوف با دین
- ۱۹۶ ۱۴- حقله ذکر
- ۱۹۶ ۱۵- رقص و سماع
- ۱۹۸ ۱۶- تسلیم محض
- ۲۰۳ ۱۷- از قطب تا شریعت و طریقت
- ۲۰۷ ۱۸- انسان کامل در فلسفه
- ۲۰۹ ۱۹- انسان کامل در عرفان
- ۲۱۴ کرامات صوفیه
- ۲۱۹ مبالغه در کرامات
- ۲۱۹ گفتار متعارض در کرامات
- ۲۲۴ ۲۰- گفتار متعارض درباره سقوط تکالیف شرعی از صوفیان

آغاز سخن

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين ولعنة الله على أعدائهم أجمعين.

مباحث عقیدتی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است زیرا که اعتقاد و باورهای درونی انسان در سعادت و شقاوتش نقش اساسی ایفا می‌کند. عقائد آدمی است که خطوط فکری او را تعیین می‌کند و دستمایه تفکراتش می‌شود و در نتیجه گفتار و کردار او را رقم زده و در پایان به کمال یا به انحطاطش می‌کشاند.

اگر معتقدات و وابستگی‌های قلبی صحیح باشد ثمره آن افرادی همانند جناب سلمان و اباذر و مقداد رضوان الله تعالی علیهم می‌گردد و اگر باطل و فاسد شود، عاقبت آن، افرادی مانند شمر و یزید خواهد شد چرا که عقیده بشر سرچشمه گفتار و کردار و زیربنای چگونه زیستن اوست.

دل‌بستگی‌های باطنی انسان تا آنجا مهم است که بر طبق احادیث، فساد عقیده موجب بطلان اعمال خیرش در نزد حق تعالی می‌شود.

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: «مَنْ يَطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ

وَمَنْ تَوَلَّىٰ فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِظًا» أَمَا لَوْ أَنَّ رَجُلًا قَامَ لَيْلَهُ وَصَامَ نَهَارَهُ وَتَصَدَّقَ بِجَمِيعِ مَالِهِ وَحَجَّ جَمِيعَ دَهْرِهِ وَلَمْ يَعْرِفْ وَلَايَةَ وَلِيِّ اللَّهِ فَيَوَالِيهِ وَيَكُونَ جَمِيعَ أَعْمَالِهِ بِدَلَالَتِهِ إِلَيْهِ مَا كَانَ لَهُ عَلَى اللَّهِ جَلٌّ وَعَزٌّ حَقٌّ فِي ثَوَابِهِ وَلَا كَانَ مِنْ أَهْلِ الْإِيمَانِ.

«امام باقر علیه السلام فرمودند: همانا خداوند عز و جل می فرماید: هر کسی اطاعت کند رسول را خدا را اطاعت نموده و کسی که رویگردان شود تو را نگهبان و حافظ آنان نفرستادیم. آگاه باشید اگر مردی شبش را به قیام به عبادت و روزها را به روزه سپری کند و همه اموالش را صدقه دهد و تمام عمر حج بجا آورد اما ولایت ولی خدا را نداند تا ولایت او را بپذیرد و تمام اعمال خود را به راهنمایی آن ولی انجام دهد ثوابی از خدا طلب ندارد و از اهل ایمان شمرده نمی شود»

و نیز صحت عقیده مساوی با حیات، و فیض آن موجب هلاکت شمرده شده است.

عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أُخْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أُخْيَا النَّاسَ جَمِيعًا» قَالَ مَنْ أَخْرَجَهَا مِنْ ضَلَالٍ إِلَى هُدًى فَكَأَنَّمَا أُخْيَاهَا وَمَنْ أَخْرَجَهَا مِنْ هُدًى إِلَى ضَلَالٍ فَقَدْ قَتَلَهَا.»^۱

«راوی می گوید از امام صادق علیه السلام در مورد این آیه سؤال نمودم «هر کس شخصی را بکشد نه به جهت قصاص، گویا همه مردم را کشته

است و هر کس زنده کند آن نفس را گویا تمام مردم را زنده نموده»
حضرت فرمود: هر کس نفسی را از ضلالت خارج نموده و داخل در
هدایت نماید گویا او را زنده کرده و هر کس نفسی را از هدایت بیرون
آورده به گمراهی بیندازد او را کشته است.»

در نزد همه علماء و فقهاء و اکابر دین مسلم است، که تمسک به قرآن و
احادیث اهل البیت علیهم السلام موجب نجات و هدایت و تخطی از آن سبب ضلالت
و گمراهی می گردد. چرا که تنها قرآن و عترت علیهم السلام بیان کننده حقائق و واقعیات
اعتقادی می باشند. و جز این دو منبع معصوم هیچ راه امنی وجود ندارد همانطور
که این حقیقت را به صراحت تمام، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیث متواتر نقلین اعلام
فرموده. در این میان بعضی از فلاسفه و عرفا مدّعی اند که فهم آیات و روایات
مبتنی بر مباحث فلسفی و عرفانی است و با آن می توان به حقیقت و باطن دین
رسید و نیز می توان جواب شبهات منکرین را به طور برهانی بیان کرد. و اگر فلسفه
و عرفان حذف شود راه وصول به معارف دین بسته شده و بساط برهان و تعقل
برچیده خواهد گردید.

ولی تاقل در مبانی و نتایج به دست آمده از منهج فلسفی و عرفانی، تضاد یا
تناقض میان آن دو را هویدا می گرداند چنانکه بخش اول کتاب را به این امر
اختصاص دادیم.

هنگامی که فلسفه و عرفان در درون متعارضند چگونه می توانند لسان دین و
مفسر قرآن و سنت قرار گیرند؟!

مضاف بر اینکه پرواضح است که بکارگیری آن دو برای فهم آیات و روایات
موجب ارائه دو تفسیر متنافی و متعارض خواهد شد که این سبب وهن دین و

زوال شریعت می باشد. علاوه آنکه در بسیاری از موارد نتایج فلسفی و عرفانی با نصوص و ظواهر آیات و احادیث نیز متضاد یا متناقض است - چنانچه این امر را در بخش دوم بیان خواهیم کرد. - بدیهی است که ممکن نیست نقیض یا ضد، باطن و حقیقت نقیض و ضد دیگر باشد. چگونه می توان با ضد از ضد دیگر دفاع کرد؟!

واقعیت این است که آنچه به عنوان مباحث توحیدی و دفع شبهات در فلسفه و عرفان مطرح شده در حقیقت تقریر اندیشه های فلاسفه و صوفیه است نه بیان توحید از منظر دین.

غرض ما از این نوشتار انعکاس قسمتی از تضادها و تناقض ها میان مبانی و نتایج فلسفی و عرفانی و تکیه بر بخشی از تعارضات بین قرآن و سنت و یافته های فلسفی و عرفانی است. امید آنکه این طلیعه ای باشد برای زدودن تفاسیر فلسفی و عرفانی از چهره پاک وحی، و هشدار برای همه طالبان حقیقت تا از تعارض میان شرع و یافته های بشری غفلت نورزند و اندیشه های فلاسفه و عرفا را به نام دین معرفی ننمایند.

در این راستا تلاش کردیم در همه مباحث از نظر کارشناسان و متخصصان فلسفه و عرفان استفاده کنیم تا اشکالات آراء فلسفی و عرفانی را از زبان خبرگان فن بشنویم، باشد که مؤثر واقع گردد.

مطالب کتاب را در سه بخش تنظیم نمودیم:

۱- تعارض فلسفه و عرفان در مبانی و نتایج

۲- تعارض فلسفه و عرفان با نصوص و ظواهر شرعی

۳- نقد کتاب مثنوی مولوی، زیرا که کتاب مذکور همواره مرجع و مأخذ اهل

عرفان و تصوف می باشد.

قبل از ورود در بحث لازم است از یاری و همکاری حجة الاسلام والمسلمین شیخ حسین محمّدی و حجة الاسلام والمسلمین شیخ شعیب حدّادی که در تألیف این اثر اینجانب را یاری نمودند کمال سپاس و قدردانی را داشته و از خداوند متعال توفیقات روز افزون ایشان را خواستارم. در پایان از حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف عاجزانه می خواهم که این تلاش را به کرم خود قبول فرماید و به لطف دعای خویش آن را سبب هدایت و بصیرت گرداند.

سید محمود هاشمی نسب ۱/۱۰/۱۳۹۷

www.ketab.ir